

سقط جنین و مساعدت در آن در فقه اسلامی و حقوق موضوعه ایران

ایران سلیمانی^۱، ابراهیم صفری^۲

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل

Soleimani.129@gmail.com

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی

Ebrahim.safari97@gmail.com

چکیده

سالیانه زندگی و سلامت میلیونها انسان به علت پایان بخشیدن به حاملگی های ناخواسته در معرض خطر جدی قرار می گیرد. وقوع میزان چشمگیر سقطهای القایی و غیر بهداشتی در سراسر جهان و به ویژه در جوامع در حال توسعه و منجر شدن بسیاری از این سقطها به مرگ و میر مادران در سنین باروری، برجای گذاردن صدها هزار ناتوانی جسمی و جنسی و .. شده است. آگاه سازی جامعه نسبت به ابعاد مختلف حقوقی و معضلات سقط جنین از اهداف این مقاله است، تا از یکسو با آشنا سازی صاحب نظران و قانون گذاران با وضعیت موجود کشور و جهان، زمینه تغییر نگرش فراهم گردد و از سوی دیگر زمینه رفع معضلات و جلوگیری از روند افزایش میزان سقطها فراهم گردد. قانون گذار جمهوری اسلامی ایران با الهام از رهنمودهای فقه اسلامی، جنین انسان را موجودی دارای شخصیت انسانی و قابل تکریم و حمایت می داند که مانند سایر انسان ها دارای حقوقی از جمله حق حیات و سلامت است. بنا بر نظر مشهور فقها، سقط جنین بعد از دمیدن روح - چهار و نیم ماهگی - حرام و نامشروع می باشد. اما این رأی در میان فقها مخالفانی دارد که برخی با تمسک به قاعده لاحرج، ضرورت و اضطرار، تزاحم یا اصل تخییر، فتوا به جایز بودن سقط جنین را مجاز دانسته اند؛ اما با جواز بی قید و شرط آن مخالفت نموده اند.

واژه های کلیدی: فقه اسلامی، جرم، سقط جنین، حقوق موضوعه، ایران

Abortion and Assistance in Iran's Islamic jurisprudence and law

Iran Soleimani¹, Ebrahim Safari²

¹ Department of Law, Islamic Azad University, Ardebil, Tehran, Iran

² Department of Law, Islamic Azad University, Ardebil, Tehran, Iran

Abstract

The lives and health of millions of people are at high risk for ending unwanted pregnancies every year. Significant incidence of induced and unsafe abortions worldwide, especially in developing societies, has led to the deaths of mothers at reproductive ages, the displacement of hundreds of thousands of physical and sexual disabilities, and so on. The purpose of this article is to inform the society about different legal aspects and problems of abortion. In order to get familiar with the situation of the country and the world, experts and legislators will have the opportunity to change their attitudes and, on the other hand, to eliminate the problems and prevent The process of increasing the number of abortions. The legislator of the Islamic Republic of Iran, inspired by the Islamic jurisprudence guidelines, considers the human embryo to be a human person and worthy of respect and support, which, like other people, has legal rights, including the right to life and health. According to the well-known jurists, abortion is forbidden and illegitimate after a breath of four and a half months. But this opinion among the jurists is opposed by some who, according to the rule of law, the necessity and urgency, the conflict or the principle of purification, have allowed the fatwa to allow abortion, but they have opposed its unconditional permission.

Keywords: Islamic jurisprudence, crime, abortion, Islamic law, Iran

حق حیات به عنوان یکی از حقوق بنیادین بشر قلمداد می شود که مبنای برخورداری از سایر حقوق است. حقوق بین الملل بشر، حق حیات را از بدو تولد به رسمیت می شناسد و نهادهای حقوق بشری بین المللی و منطقه ای در رویه خود صراحتاً اذعان می کنند که در وهله نخست، تمامی حمایت های پیش از زایمان باید با لحاظ کردن حقوق بشر زنان از جمله حق سلامت، حق بر بدن و حق حریم خصوصی آنان صورت پذیرد و توجه به حفظ حیات جنین قبل از تولد، در مرحله بعد قرار می گیرد.

از دیدگاه بسیاری از فعالان حقوق زنان، در چند دهه اخیر در عرصه بین المللی، رویکردی در حال شکل گیری و تقویت است که تمایل دارد حق حیات را به قبل از تولد نیز تسری دهد و این امر می تواند به منزله تهدیدی برای حقوق بشر زنان قلمداد شود. از دیدگاه آنان، این تلاش ها عمدتاً ریشه در باورها و اعتقادات ایدئولوژیک و مذهبی دارد و نتیجه گریزناپذیر این گرایش ها، نادیده گرفتن حقوق بشر زنان از جمله حق بر بدن و برخورداری از تمامیت جسمانی، حق سلامت و حق بهره مندی از خدمات پزشکی و سلامت مربوط به زایمان و پیش از آن، حق کرامت، حق برخورداری از استقلال و تساوی است.

از منظر فعالان عرصه حقوق بشر در غرب، در رویکردی که درصدد به رسمیت شناختن حق حیات برای جنین قبل از تولد است، یک نکته حائز اهمیت وجود دارد و آن عبارتست از اینکه برای جنین حقوقی (از جمله حق حیات) بالاتر از و یا مساوی با حقوق زنان در نظر گرفته می شود. یکی دیگر از نتایج عملی ناشی از به رسمیت شناختن حق حیات جنین قبل از تولد، نادیده گرفته شدن حق زنان در اتخاذ تصمیمات مستقل در ارتباط با بارداری و نیز وضعیت جسمانی خود و به عبارت دیگر، نقض حق زنان بر بدن است.

جرم سقط جنین از جمله جرائم مخصوص زنان می باشد. امروزه گریبانگیر تمامی کشورهای دنیا به خصوص کشورهای پرجمعیت شده است. بازتاب این معضل اجتماعی نیز تاثیر گذار بر دیدگاه های حقوقدانان و جرم شناسان بوده است. به دلیل اینکه دیگر قوانین راجع به سقط جنین، با وجود مسائل جدید اعم از مسائل پزشکی و مسائل اجتماعی و اقتصادی و نظایر آن با عرف و اخلاق عمومی جوامع مطابق نبوده و این مهم حقوقدانان را برانگیخته تا در تنظیم قوانین، مسائل و مشکلات را مد نظر قرار دهند که امروزه ما شاهد دگرگونی و تحول در قوانین راجع به سقط جنین به خصوص در کشورهای اروپایی هستیم. باید گفت از طریق مجازات نمی توان در جهت جلوگیری یا کاهش این جرم اقدام موثری انجام داد، چرا که این عمل، اکثراً با رضایت اولیای قانونی جنین، توسط پزشک و یا افراد دیگری بصورت کاملاً مخفیانه صورت می پذیرد، در نتیجه هیچ گاه کشف نمی شود.

ادیان مختلف نیز سقط جنین را بجزدر موارد استثنائی ممنوع اعلام کردند. این اعتقادات مذهبی قوانین و مقررات را تحت تاثیر قرار داد و به همین دلیل قانونگذاران کشورهای مختلف سقط جنین را ممنوع و برای آن مجازات تعیین کردند. در آیین زرتشتی سقط جنین گناهی بس عظیم تلقی می شد و برای زنی که مبادرت به این عمل می کرد، عقوبت سختی در نظر می گرفتند. دین مسیحیت ابتدا سقط جنین را بنحوی تعریف می کرد که شامل مواردی که هنوز روح در در نطفه دمیده نشده است نمی شد. سنت آگوستین معتقد دمیده شدن روح و حرکت در پسرها چهل روز بعد از انعقاد نطفه و در دخترها هشتاد روز بعد از انعقاد صورت می گرفت. اکثر فلاسفه یونان قدیم سقط جنین را در شرایطی مجاز می دانستند. مثلاً سقراط سقط را با میل مادر جایز می دانسته و ارسطو در صورتی که مادر اولاد زیادی آنرا تجویز می کرده است، اما بقراط در قسم نامه معروفش ازسقط جنین به عنوان عملی ناپسند یاد کرده و آنرا به دلیل صدماتی که به زنان وارد می کرد، ممنوع اعلام کرده است.

۲- بیان مسأله:

سقط جنین یکی از جرایم شایع عصرماست، امروزه کم نیستند زنان حامله ای که به دلایل گوناگون اقدام به سقط جنین می کنند، زوج هایی که ناخواسته مبادرت به جلوگیری از تولد جنین خود می نمایند. همچنین مواردی که زنان به دلایل نامشروع حامله می گردند و موارد دیگر مصادیقی از ارتکاب این جرم می باشند. قوانین جزایی اکثریت قریب به اتفاق کشورها سقط جنین را جرم می دانند. چه این جرم به صورت عمدی ارتکاب باید یا به صورت غیرعمدی. به عبارت بهتر غیر از سقط های درمانی آن هم با ضوابط و شرایط مخصوص آن و سقطهای خود بخودی، بقیه سقط های جنایی جرم و قابل مجازات است. (زراعت، ۱۳۸۳: ۵۶)

بنابر اصول کلی حاکم بر حقوق جزا و متون فقهی و قاعده کرامت انسانی حفظ سلامت جنین وظیفه ای است بر عهده والدین که در قوانین ایران و اکثر کشورها پیش بینی شده است و در حقوق جزای کشور ما سقط جنین از همان مراحل اولیه استقرار نطفه قابل مجازات است و در سایر کشورها سیر تحول قوانین راجع به سقط جنین به گونه ای است که آزادی عمل در این کشورها به خصوص کشورهای اروپایی بیشتر می شود به تعبیر دیگر حالت ضرورت در بحث مورد نظر از مفهوم موسع برخوردار است. در اکثر کشورهای اسلامی سقط جنین جرم شناخته شده که بیشتر دیدگاههای اعتقادی و مذهب در این مسئله دخیل بوده و در کشورهایی با حقوق کامن لا و از جمله آمریکا به گونه ای دیگر به این مسئله نگاه کرده و تفکیک هایی در این مورد دارد و اکثر کشورهای اروپایی سقط جنین را، اگر نه به صورت کامل که در موارد مشخص، قانونی کرده اند. (لاریجانی، ۱۳۸۱: ۲۹)

راه حل های ارائه شده نیز در این زمینه بعضا در تضاد با یکدیگرند، باتأسف باید گفت: علیرغم این اندیشه ها نه تنها این عمل غیرقانونی کاهش نیافته بلکه موجب رواج آن به شکل قانونی و با حمایت دولت ها شده است. حقوق موضوعه ایران سقط جنین در هیچ شرایطی جز زمانی که سلامت مادر در خطر است قانونی نمی باشد، حتی در صورت ناقص بودن جنین، که این مسائل همگی به نوبه ی خود شایان بررسی هستند. عوامل فرهنگی، اجتماعی بویژه لجام گسیختگی های شهوانی در جوامع مختلف، سست شدن بنیان خانواده ها و دیگر عوامل موجب تشدید این ناهنجاری اجتماعی شده و مرهمی بر آلام این جراحات اجتماعی نگذارده است. (مهرگان، ۱۳۹۲: ۲)

۳- پیشینه تحقیق:

با عنایت به مواد مربوط به جرم سقط جنین در قانون مجازات اسلامی و مقالات و تحقیقات انجام شده در این زمینه تاکنون در آثار حقوقی ایران به صورت کلی در این زمینه بحث شده است، و حقوقدانان تنها در موارد کلی و محدود به آن اشاره کرده اند، بدون آن که جزئیات آن را از نظر قانونی و دیدگاه نظام های حقوقی ارزیابی کنند. در نهایت میتوان گفت تمام رساله ها و مقالات موجود در این زمینه به طور محدودی این موضوع را بررسی کرده اند. از جمله به چند مورد زیر اشاره می گردد:

پاد، ابراهیم. (۱۳۸۷). در کتاب حقوق کیفری اختصاصی جنین آورده است که سقط جنین دو حالت دارد در حالت اول سقط جنین نوعی از قتل یا بچه کشی خواهد بود و بالنتیجه در مواردی که عمل منتهی به فوت و تلف طفل نگردد قتل نفس و به عبارت دیگر سقط جنین تحقق پیدا خواهد کرد، در حالت دوم تلف یا مردن بچه را نباید شرط تحقق جرم بدانیم و به همین دلیل است که استاد گارو سقط جنین را عبارت از اخراج عمدی و قبل از موعد حمل (محصول باردار شدن زن) می داند. (پاد، ۱۳۸۷: ۱۴۶)

شهیدی، مهدی. (۱۳۸۴). در مقاله ای با عنوان وضعیت حقوقی کودک آزمایشگاهی می نویسد: سقط جنین عنوان کیفری خاصی دارد و در مواد مربوط به این موضوع در قانون تعزیرات و قانون دیات و یا در سایر قوانین موضوعه از سقط جنین عمدی، شبه عمدی و خطایی تعریف خاصی به عمل نیامده است. با توجه به وحدت ملاک به نظر می رسد تعاریف مذکور در ماده ۲ قانون حدود و قصاص، ماده ۲۰۴ قانون مجازات اسلامی و ماده دوم قانون دیات و همچنین ماده ۲۷۰ قانون مجازات اسلامی را که تعریف قتل عمدی و شبه عمد و خطائی است در خصوص تعاریف سقط جنین عمدی، شبه عمد و خطائی نیز مورد استفاده قرار داد. (شهیدی، ۱۳۸۴: ۸۶)

ملایوسفی (۱۳۸۸) در مقاله ای با عنوان بررسی و نقد دیدگاه جودیت جارویس تامسون در دفاع از سقط جنین آورده است: در امپراطوری ایران، انجام سقط جنین مجازات سنگین و سختی را در پی داشت، با این حال، در میان یونانیان و رومیان سقط جنین بدون هیچ محدودیت اخلاقی انجام می شد. یونانیان باستان سقط جنین را برای کنترل جمعیت به کار می بردند. افلاطون مدافع این دیدگاه بود که زنان بالای چهار سال باید مجبور به سقط جنین شوند. در قوانین روم باستان نیز آمده است: «نوزادی که در شکم مادرش است، شخص محسوب نمیشود.» از این حیث سقط جنین و حتی نوزادکشی جایز بود. سورانس افسوسی، که اغلب به عنوان بزرگترین پزشک بیماریهای زنان عصر باستان تلقی می شود، عموماً مخالف شیوه های آزاد سقط جنین در امپراتوری روم بوده است. در سوگندنامه بقراط آمده است: من هرگز به خواست کسی که داروی مرگ آوری طلب کند، وقعی نخواهم نهاد، و نه هرگز اشاره و پیشنهاد در این زمینه خواهم کرد. همچنین هیچگاه داروی سقط جنینی به زنی نخواهم داد. با این حال اغلب پزشکان معاصر بقراط با او مخالف بوده اند. (ملایوسفی، ۱۳۸۸: ۲۶)

۴- بررسی زمینه ها و مبانی اختلاف نظر فقها

الف) زمینه های اختلاف

انسان قرن بیستم، با سرعت از معنویات و اخلاق فاصله گرفت و پشت پا به بسیاری از ارزشهای پذیرفته شده در تمام جوامع بشری زد؛ از جمله اینکه به زعم خود، به انسان آزادی داد و از حقوق بشر دفاع کرد و یکی از مصادیق حقوق بشر را آزادی روابط جنسی قلمداد نمود، اما در عمل، دچار تعارضات گوناگون گردید که مسأله سقط جنین، یکی از نمونه ها و نتایج آن است. پذیرش آزادی بی حد و حصر روابط جنسی و شیوع آن در سنین مختلف، طبعاً منجر به بارداریهای ناخواسته بی شماری می شود (به طور مثال، همه ساله در ایالات متحده آمریکا از هر هشت زن، سیزده تا نوزده ساله، یک نفر باردار می شود که چهل درصد از این حاملگیها به سقط جنین می انجامد که گاهی ناشی از روابط جنسی خودخواسته (زنا) و گاهی ناشی از زنا به عنف است. مسأله بارداری مانع و سد بزرگی در مقابل این آزادی ایجاد می کند و بشر را بر سر دو راهی قرار می دهد؛ زیرا میل شدید به آزادی این روابط و برشمردن آن از مصادیق حقوق بشر از یک طرف، و جنینهای محصول این رابطه از طرف دیگر، مستلزم ترجیح یکی بر دیگری و ناگزیر موجب تضعیف و یا از بین رفتن آن می شود. از این رو، این عده، دانسته یا ندانسته به علت اصلی نپرداخته و مبارزه با معلول را وجهه همت خود قرار داده اند و به جای بازگشت به نظم و ضوابط اجتماعی و ارزشهای اخلاقی، که محصول تلاش فرزندان و بویژه انبیا و اولیای الهی بوده است، به حرکتی ارتجاعی رو آورده، با مسلم و بدیهی فرض کردن آزادی روابط جنسی، قویاً معتقد به از میان برداشتن هر مانعی و از جمله مسأله زنان باردار شدند. بدین ترتیب، با استناد به حقوق بشر، حقوق زن و به تعبیر صحیح تر، با استناد به اصل حاکمیت و حقانیت! در تعارض میل و خواسته مادر و حق حیات جنین، بی پناه ترین و بی دفاع ترین موجود، محکوم به نابودی می شود. اینان بر رعایت حقوق زنان پافشاری می کنند و معتقدند در جوامع غربی، قانونی شدن سقط جنین می تواند شفا و درمان بسیاری از امراض اجتماعی باشد. با این وجود، هنوز بسیاری از کشورها

با جواز مطلق سقط جنین مخالفند و ارباب کلیسا (محقق داماد، ۱۳۸۰: ص ۱۴۲) و حتی مردم برخی از کشورهای اروپایی بر این خواست خود پافشاری می کنند؛ برای مثال، مردم ایرلند شمالی در بیست سال گذشته، پنج بار درباره سقط جنین به پای صندوقهای رأی رفته اند و در هر بار، اکثریت آرا با مخالفان بوده است. آنها در همه پرسشهای مکرر نیز بر این خواست خود پافشاری کرده اند.

ب) مبنای اختلاف

برای درک درست نظر مخالفان و موافقان سقط جنین، باید مبنای اختلاف مشخص شود. آنگاه ملاحظه خواهد شد که مبنای اختلاف، در تفاوت برداشت از حیات انسانی، حیات جنین، شرافت جنین، حقوق بشر و حقوق زن است. موافقان، حل معضلات عظیم اقتصادی و اجتماعی را نسبت به مساله سقط جنین بااهمیت تر دانسته، با استناد به حقوق بشر و لزوم رفع تبعیض و همسان سازی حقوق زن و مرد، سقط جنین را از حقوق مسلم زن قلمداد کرده، آنچه را که در رحم در حال رشد است، جزئی از اجزای مادر، فاقد حیات انسانی و تنها تکه ای گوشت، غضرف یا بافتی می دانند که فاقد هرگونه حقی است، بنابراین مستحق کمترین احترام و توجه نیست. از نظر ایشان، اولین نگرانی و دلوپسی، باید معطوف به سلامت روحی، جسمی، رفاه و موقعیت خوب اجتماعی و آسودگی و آسایش مادر باشد.

از منظر فقهای امامیه، جنین موجودی محترم است و سقط آن، به جز مواردی که به عنوان ثانوی، سقط آن مجاز شناخته شده است، در هر مرحله ای که باشد، به استناد کتاب، سنت، عقل و اجماع، حرام و نامشروع است؛ زیرا شیعه امامیه، به زندگی نوع بشر، آن چنان اهمیت داده که از همه مرزهایی که فقهای مذاهب اسلامی در آنجاها توقف کرده اند، گذشته است. شیعه امامیه برای بذری که انسان از آن پدید می آید، پیش از آنکه در رحم زن افکنده شود، عوض مالی (ارش) معین کرده است و سپس در تعیین این عوض مالی، بر حسب مراحل رشد و نمو جنین در شکم مادر، درجه درجه پیش رفته است. (احمد ادریس، ۱۳۷۷: ص ۱۸۵)

از نظر ایشان، حیات جنینی دو مرحله اساسی دارد، (آیات ۱۲ تا ۱۴ سوره مؤمنون) از ابتدای انعقاد نطفه، تا زمان دمیده شدن روح، و از زمان دمیده شدن روح، تا زمان تولد. (شیخ طوسی، ۱۴۱۷: ص ۲۹۵ و محقق حلی، ۱۴۰۹: ص ۱۰۴۵ و شهید اول، ۱۴۱۱: ص ۲۶۷) در مرحله دوم، جنین، انسانی همانند سایر انسانهاست و قتل انسان، به دلایل متعدد، حرام است که از جمله دلایل، آیه ۱۵۱ سوره انعام است که می فرماید: «و لا تقتلوا النفس التي حرم الله الا بالحق» این آیه دلالت بر حرمت سقط جنین، بعد از دمیده شدن روح دارد. عقل نیز حکم به حرمت ظلم می کند و سقط جنین را ظلم می داند؛ زیرا سقط جنین، تعدی نسبت به کسی است که قادر به دفاع از خود نیست. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸: ص ۲۸۶) اما قبل از دمیده شدن روح، سقط جنین، به دلیل اینکه دارای حیات نباتی است و انسان بالفعل نیست، قتل نفس محسوب نمی شود؛ (خوئی، ۱۴۰۷: ص ۴۰۹؛ حسینی بهشتی، ۱۳۷۹: ص ۷۰) اما به دلایل زیر، حرام و نامشروع است:

دلیل اول: روایاتی که دلالت بر حرمت سقط نطفه ای که در رحم واقع شده می کنند، دلالت بر حرمت سقط جنین در مراحل بعدی نیز می نمایند؛ از آن جمله است روایت اسحاق بن عمار:

قال: قلت لابی الحسن علیه السلام: المرء تخاف الحبل فتشرب الدواء فتلقى ما فی بطنها- قال: "لا، فقلت: انما هو نطفه، فقال: ان اول ما یخلق نطفه" (حر عاملی، ج ۲۹، ص ۲۶)؛ به حضرت موسی بن جعفر علیه السلام عرض کردم، زنی از آبستنی اش می ترسد، دارویی می خورد تا آنچه در بطن دارد، بیندازد، (آیا جنین عملی جایز است؟) فرمود: خیر! عرض کردم (جنین در مرحله نطفه است. فرمود: اولین چیزی که خلق می شود، نطفه است.

چنانچه ملاحظه می شود، در این روایت، امام علیه السلام می فرماید: اولین منزلگه موجود انسانی نطفه است. کلمه «لا» در جواب این سؤال که آیا سقط جنین جایز است، صراحت در تحریم دارد. دلیل دوم: صحیحه ابی عبیده از ابی جعفر علیه السلام: «فی امراه شربت دواء و هی حامل لتطرح ولدها فالقت ولدها فقال:

ان کان عظما قد نبت علیه اللحم و شق له السمع و البصر فان علیها دیته تسلمها الی ابیه و ان کان جنینا علقه او مضغه فان علیها اربعین دینارا او غره تسلمها الی ابیه» قلت: فهی لاترث من ولدها من دیته؟ قال: " لا، لانها قتلته." امام باقر علیه السلام درباره زن بارداری که دارویی می نوشد تا فرزندش سقط شود و فرزند هم سقط می شود، فرمود: اگر آنچه سقط شد، به مرحله ای رسیده باشد که دارای استخوان و گوشت و چشم و گوش باشد، بر زن واجب است دیه او را به پدرش بپردازد. اگر به این مرحله نرسیده و علقه یا مضغه باشد، باید چهل دینار و یا عبد یا کنیزی را به پدر او بدهد. راوی گوید: پرسیدم: آیا زن از دیه فرزند خود ارث نمی برد؟ فرمود: خیر؛ چون زن، او را کشته و قاتل ارث نمی برد. این روایت، به ضمیمه ادله حرمت قتل نفس (از جمله آیه ۳۳ سوره اسراء)، بر حرمت سقط جنین در مراحل علقه، تا قبل از دمیده شدن روح دلالت می کند.

دلیل سوم: از روایاتی که بر وجوب تأخیر رجم زانیه باردار تا وضع حمل دلالت می کنند، استنباط می شود که حفظ جنین، امری لازم و واجب و سقط آن، حرام و نامشروع است. (خرازی، المقام السادس) از جمله مرسله شیخ مفید از امام امیرالمومنین علیه السلام :

انه قال لعمر و قد اتی بحامل قد زنت فأمر برجمها، فقال له علی ۷: هل لك سبیل علیها، ای سبیلک علی ما فی بطنها و اللّٰه یقول: و لاتزر وازره و زر اخری؟ فقال عمر: لاعتشت لمعضله لایکون لها ابوالحسن، ثم قال: فما اصنع بها یا ابالحسن؟ قال: احتط علیها حتی تلد، فإذا ولدت و وجدت لولدها من یکفله فاقم الحد علیها: «(حرعاملی، همان، ج ۲۸: ص ۱۰۸)

زن باردار زناکاری را نزد عمر آوردند. وی حکم به رجم آن زن کرد. حضرت علی علیه السلام به عمر فرمود: اگر سلطه ای بر زن، به واسطه زناکار بودن او داری، چه اختیاری نسبت به فرزند داخل رحم او داری؟ خداوند می فرماید: هیچ کسی بار گناه دیگری را بردوش نمی کشد. عمر گفت: در معضلی که پیش آید و ابوالحسن آنجا حاضر نباشد زنده نباشم. و ادامه داد: ای ابوالحسن! با او چه کنم؟ امام علیه السلام فرمود: از او نگهداری کن تا زایمان نماید و زمانی که فرزند را به دنیا آورد و کسی برای سرپرستی طفل پیدا شد، حد را بر او جاری کن.

این در حالی است که از ائمه معصومین، علیهم السلام، روایت شده: «لیس فی الحدود نظر ساعه»؛ (حر عاملی: ج ۲۸، ص ۴۷) با این حال این روایات، بر تأخیر اجرای حد بر زانیه حامل، دلالت می کند و ظهور دارد که لزوم حفظ جنین، علت تأخیر اجرای حد است. (خرازی، المقام السابع)

دلیل چهارم: روایات متواتر یا قریب به تواتر، دلالت بر وجوب دیه برای سقط جنین می کنند. فقهای امامیه نیز به اجماع، دیه را برای جبران خسارت ناشی از جنایت بر غیر، واجب و لازم دانسته اند. در این خصوص، شیخ طوسی چنین فرموده است: دیه جنین تام الخلقه که روح در او دمیده نشده باشد، یک صد دینار است.... دلیل ما، اجماع فقهای امامیه و اخبار و روایات است.»

وجوب پرداخت دیه، به دلالت التزامی بر حرمت سقط جنین حکم می کند؛ زیرا دیه، جبران کننده خسارت حاصل از جنایت است و سقط عمدی، بدون اذن شارع، قطعاً حرام است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸: ص ۲۸۶)

به عبارت دیگر، با توجه به اینکه اصل در وجوب دیه، این است که به سبب جنایت باشد، و جنایت عمدی نیز قطعاً حرام است، پس اسقاط عمدی جنین در هریک از مراحل رشد، حرام خواهد بود. (همان: ص ۲۸۸)

ممکن است به این دلیل خدشه وارد شود که تلازمی بین لزوم پرداخت دیه و حرمت وجود ندارد. برای مثال، اگر شخصی در خواب با غلطیدن روی کودکی، موجب مرگ وی شود، با اینکه پرداخت دیه لازم است، ولی گناه کار نیست. در جواب گفته می شود، اگر چه وجود تلازم بین لزوم پرداخت دیه با حرمت، محل بحث و مناقشه است؛ ولی مدعی ما، اقدام عمدی بدون اذن شارع است؛ یعنی کشتن عمدی انسان و سقط عمدی جنین در هریک از مراحل رشد، مد نظر است. با روشن شدن زمینه و مبنای اختلاف، اینک ادله موافقان سقط جنین مورد بررسی و ارزیابی قرار می گیرد.

۵- بررسی و نقد ادله موافقان سقط جنین

موافقان و مخالفان جواز سقط جنین، از یک سرزمین، یک طبقه اجتماعی، یک طرز فکر و مکتب خاصی نیستند؛ از این رو، هر گروه، متناسب با آرا و عقاید خویش، برای جواز یا عدم جواز سقط جنین، دلایلی ارائه می دهند. برخی مطلقاً تجویز، برخی مطلقاً منع، و برخی تحت شرایطی اجازه می دهند. نظرات گروه اخیر نیز، به لحاظ کمیت و کیفیت شرایط با هم دیگر تفاوت هایی دارند. در ذیل، اهم مواردی که موافقان سقط جنین، برای بیان ضرورت تشریح و قانونی شدن سقط جنین بیان کرده اند، مورد نقد و بررسی قرار می گیرد.

موافقان سقط جنین و از جمله مدعیان طرفداری از حقوق بشر و طرفداران حقوق زن و فمینیستها بر این باورند که: اولاً، یکی از مصادیق آزادی و حقوق بشر، مسأله آزادی روابط جنسی است؛ به شکلی که جوامع امروزی، بدون توجه به تعالیم دینی، این امر را پذیرفته و مسلم قلمداد کرده اند. انسانها باید بتوانند از آزادیهای لازم بهره مند شوند و بدین منظور، باید تسهیلات لازم برای برخورداری از حقوق و آزادی آنان فراهم شده، هر گونه مانعی از سرراه برداشته شود. روشن است که ممنوعیت سقط جنین، یکی از موانع عمده است که قانون گذاران کشورهای مختلف باید به بهترین وجه، این مانع را از سر راه بردارند. ثانیاً: حق هر زن است که به عنوان یک انسان، بر جسم و جان خود مسلط باشد و بدن خود را تحت کنترل قرار دهد و در راستای اعمال این حق مشروع، بتواند سقط جنین نماید؛ به عبارت دیگر، جنین، مادامی که در رحم مادر است، در واقع جزئی از مادر محسوب می شود و مادر حق دارد که این جزء را، در صورتی که به هر دلیل مزاحم و زاید بداند، به دلخواه خود سقط نماید و مراکز بهداشتی و درمانی نیز موظفند در اعمال این حق، به وی یاری رسانند این در حالی است که جنین، ابداً از هیچ حق قانونی برخوردار نیست.

۶- تشریح دیدگاه فقه

منظور طرفداران جواز سقط جنین بنا بر میل و خواست زن، این است که زن حامله، ملزم به ارائه هیچ دلیلی، اعم از موجه و غیر موجه نیست، و در غالب موارد، ایشان، قصد از بین بردن موانع پیش روی آزادی روابط جنسی را دارند؛ در حالی که بی بند و باری در روابط جنسی، با فلسفه ارسال رسل، که تتمیم مکارم اخلاق است، منافات دارد؛ بنابراین امری ناپسند و مردود است. بعلاوه، رعایت این آزادی، نمی تواند مجوز سقط جنین باشد؛ زیرا به حکم عقل و وجدان آزاد انسانی، اگر میل و خواست زن و یا لزوم التذاذ جنسی در یک کفه ترازو، و قتل نفس محترمه در کفه دیگر ترازو قرار داده شود، هرگز میل و خواست و التذاذ جنسی، مساوی با جواز سقط جنین، بویژه بعد از دمیده شدن روح نخواهد بود، بلکه رعایت حق حیات، بر میل، خواست و لذت جنسی مقدم خواهد بود. بنابراین سقط جنین، برای عدم محدودیت این آزادی، مجوزی نخواهد داشت.

اما این نیز جنین را جزئی از بدن مادر قلمداد کرده، او را برای از بین بردن این جزء ذیحق می دانند، قابل قبول نیست؛ زیرا اصل ادعا محل تردید است؛ چون قیاس جنین با اجزای بدن یک انسان، قیاس مع الفارق است؛ به این دلیل که دست و پا و سایر اجزای بدن، حقیقتاً جزء بدن است؛ ولی جنین جزئی از اعضای بدن مادر نیست، بلکه خود انسانی کامل یا نارس با شرافت و

حرمتی کاملاً یا تقریباً همانند مادر است که چند صباحی میهمان مادر بوده و در رحم وی بسر می برد به همین اعتبار است که در زبان عربی و لسان قرآن به جنین، حمل و به مادر، حامله اطلاق می شود و اگر جنین جزئی از بدن مادر محسوب شود، اتحاد حامل و محمول لازم می آید.

اگر به فرض، جنین، جزئی از بدن مادر، محسوب شود، باز این مسأله، مجوز سقط جنین نیست؛ زیرا انسان، مالک تمامیت جسمانی خود، یعنی مالک نفس خود هم نیست (شهید ثانی، ۱۴۱۰: ص ۲۲) و بنابراین حق خودکشی ندارد (قال الصادق علیه السلام: «من قتل نفسه متعمدا فهو فی نار جهنم خالداً فیها» (حر عاملی: ج ۱۹، ص ۳۷۸) قال الله عز و جل: «و لا تقتلوا انفسکم ان الله بکم رحیم و من یفعل ذلک عدواناً و ظلماً فسوف نصلیه ناراً و کان ذلک علی الله یسیراً» (نساء، ۲۹/۳۰) و خودکشی گناه بزرگی محسوب می شود؛ پس به طریق اولی، انسان، مالک نفس دیگری، اگرچه فرزندش باشد، نبوده و حق کشتن دیگری (سقط جنین) را هم نخواهد داشت.

اگر میل و خواسته زن را از زاویه ای دیگر، یعنی در باردار شدن یا نشدن در نظر بگیریم، باید گفت: این آزادی نیز مانند آزادیهای دیگری که در جوامع بشری حکم فرماست، مطلق نبوده و دارای قید و شرط و محدودیت هایی است؛ از جمله اینکه اگر زن باردار شد، دیگر نسبت به نتایج آن مختار و آزاد نخواهد بود و ملزم است نتایج و عواقب آن را بپذیرد.

ممکن است در موارد زنای به عنف، به این استدلال خدشه وارد شود. پاسخ این است که اولاً، این مورد، خارج از موضوع بحث است؛ زیرا عنوان بحث، آزادی سقط جنین، بنابر میل و خواسته زن، یعنی بدون نیاز به ارائه هرگونه دلیل و تمسک به هر عذری است؛ در حالی که موارد زنای به عنف، یکی از معاذیر است که شاید بتواند در برخی موارد و تحت شرایطی به استناد قواعد فقهی از جمله قاعده لاجرح، عذری موجه برای سقط جنین قلمداد شود. ثانیاً، چون اجتماع بشری، یک پیکره واحد است، عوارض ناشی از فساد و انحراف جوامع، دامن گیر همه افراد، اعم از مقصر و غیر مقصر می شود، و یکی از نتایج شوم آن، بارداری ناشی از زنای به عنف است که در هر حال، موجبات بروز مشکلات متعددی را برای این دسته از زنان فراهم می آورد.

از منظر فقه امامیه، با وجود احترام به حقوق و آزادی زنان در حدود موازین شرعی و قطع نظر از اینکه منشأ حاملگی زن چه بوده و انگیزه زن برای سقط جنین چیست، به لحاظ اینکه اصولاً از زمان استقرار نطفه، سقط جنین، حرام است، و قبل از نفخ روح، تنها به استناد دلیلی جدی، مثل حرج شدید، سقط جنین، مجاز دانسته شده است و بعد از نفخ روح، بنابر نظر مشهور فقهای امامیه، مطلقاً جایز نیست و بنابر نظر برخی، تنها در مواردی که جان مادر در خطر است، تحت شرایطی جایز است، سقط جنین به صرف میل و درخواست زن، و فقط برای رعایت آزادی و حق انتخاب او، دلیلی محکم محسوب نشده، نمی تواند مشروع تلقی گردد.

در هر حال، آنچه از فحوای کلام فقهای امامیه استنباط می شود این است که جنین، از ابتدای انعقاد نطفه، یک انسان است، ولی یک انسان ناقص،... جنین قبل از نفخ روح، یک گیاه یا یک لاشه حساب نمی شود، و خود، دارای حقوقی است. یکی از این حقوق، حق حیات است و همان طور که رعایت حقوق و آزادی زنان امری پسندیده و لازم است، متقابلاً رعایت حقوق جنین، بویژه حق حیات وی، که از نظر سیستم دفاعی و وضعیت حیاتی در موضع ضعیف تری است و حتی نیاز به حمایت بیشتری دارد نیز ضروری به نظر می رسد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸: ص ۲۸۶، تبریزی، ۱۴۱۶: ص ۳۳۳)

۷- حفظ جان مادر

در دوران گذشته، میلیونها زن در دوران بارداری به دلایل مختلف جان خود را از دست داده اند؛ در حالی که در زمان حاضر ضرورت دارد بشر متمدن، نسبت به رعایت حقوق مادران، دقت نموده و حساسیت بیشتری مبذول دارد و از تلفات بیشتر زنان

جلوگیری کند و در مواردی که حیات مادر در معرض تهدید قرار می گیرد، بدون هیچ گونه تردیدی، سقط جنین مشروع قلمداد شود.

قوانین بسیاری از کشورها از جمله ایران، برزیل، اندونزی، ایرلند شمالی، لبنان، فرانسه و انگلستان، اسقاط جنین را برای حفظ حیات مادر و هنگامی که جان او در خطر باشد، اجازه می دهند؛ با این تفاوت که در برخی کشورها، مثل فرانسه (France Law, 1980, 3) در چنین شرایطی، از زمان انعقاد نطفه تا هنگام وضع حمل، چنانچه استمرار حاملگی منجر به تهدید جانی برای مادر باشد، مطلقاً امکان سقط جنین وجود دارد و در برخی دیگر، مثل ایران، انگلستان و آفریقای جنوبی، جواز آن را مقید به شرایط خاصی نموده اند (Summery Aboration Law Around the world, 2002, 2).

از منظر فقه امامیه، سقط جنین برای حفظ جان مادر، در دو دوره قابل بررسی است، قبل، و بعد از دمیده شدن روح. الف) قبل از ولوج روح، اگر مادر بترسد که ادامه بارداری موجب مرگش شود، بین وجوب حفظ نفس و حرمت سقط جنین، تراحم ایجاد می شود و با وجود اهمیت حفظ جان مادر نسبت به سقط جنین، مادر بر جنین ترجیح داده می شود و سقط جایز خواهد بود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸، ص ۲۸۶، تبریزی، ۱۴۱۶: ص ۳۳۳)

ب) بعد از ولوج روح، عده ای، بر این باورند که جنین، حیات انسانی دارد و در حرمت نفس انسانی، تفاوتی بین صغیر و کبیر و جنین و طفل وجود ندارد و نمی توان برای حفظ جان یک شخص، جواز قتل دیگری را صادر نمود. بعلاوه به مقتضای برخی روایات، حتی در مواقع ضرورت، اضطرار و تقیه (انما جعلت التقیه لیحقن بها الدم، فاذا بلغت التقیه الدم فلا تقیه) (حر عاملی: ج ۱۶، ص ۴۸۳) اجازه ارتکاب قتل و سقط جنین داده نشده است. (گلپایگانی، ۱۴۱۳: ص ۱۷۲ و تبریزی، ۱۴۱۶: ص ۳۳۳ و علی محمدزاده، ۱۳۷۵: ص ۱۵۴ و محسنی، ۱۳۸۲: ص ۶۴)

گروهی دیگر معتقدند حتی بعد از دمیده شدن روح نیز می توان سقط جنین کرد تبریزی، ۱۴۱۶: ص ۳۳۳) اما مبانی متفاوتی دارند.

برخی بر این عقیده اند که مادر می تواند برای دفاع از جان خود اقدام به سقط جنین نماید (حسینی شیرازی، مسأله ۳۴۵۶ و خرازی، المقام السابع) زیرا در مسأله دفاع، تفاوتی ندارد که هجوم از طرف عامل خارجی باشد یا از طرف عامل داخلی. در اینجا که جنین به عنوان میهمان، جان میزبان را نشانه گرفته است، مادر می تواند با سقط جنین، از جان خود حفاظت و دفاع کند. برخی از باب تراحم، مادر را مجاز به سقط جنین می دانند. برای روشن شدن موضوع، لازم است توضیح مختصری در مورد قاعده تراحم داده شود: هرگاه دو حکم برای یکدیگر زحمت و مزاحمتی فراهم نمایند که نتوان به هر دو عمل کرد، این وضع را تراحم گویند (مشکینی، ۱۴۱۳: ص ۱۰۲) مثلاً، هرگاه شخصی پدر و مادر فقیری دارد که باید مخارج هر دو را بدهد، ولی تنها قادر به تأمین مخارج یکی از آنها است، در این صورت گفته می شود: بین حکم وجوب انفاق به پدر و حکم وجوب انفاق به مادر تراحم وجود دارد. (محمدی، ۱۳۷۵: ص ۳۳۸) در بحث حاضر نیز باید مرتکب حرامی شد که همان سقط جنینی است که روح در وی دمیده شده است، یا باید واجبی را ترک کرد که حفظ جان مادر از هلاکت است. این دو با هم تراحم دارند، یعنی اگر مادر بخواهد مرتکب حرام شود، بناچار باید واجبی را ترک کند. و آن وجوب حفظ نفس خود است. و اگر بخواهد ترک واجب نکند لاجرم، مرتکب حرام خواهد شد، و در باب تراحم و دوران بین محذورین، اگر مرجحی بر یکی از دو طرف نباشد، عقل حکم به تخییر می کند. (شیخ انصاری، ۱۴۱۹: ص ۴۱) بنابراین زن باردار مخیر بین حفظ نفس خود با سقط جنین است.

برخی معتقدند با استناد به قاعده اضطرار، حرمت سقط جنین رفع می شود. برای درک بهتر مطلب، لازم است ابتدا تعریف حکم واقعی و حکم اضطراری بیان گردد: حکم واقعی، عبارت است از حکم شرع در هر قضیه ای، بدون توجه به علم و جهل مکلف که ممکن است بدان پی ببرد و ممکن است پی نبرد و حکم اضطراری، که به

آن حکم واقعی ثانوی می گویند، حکمی است که برای مکلف با توجه به حالات مختلف او، به استثنای حالت علم و جهل، وضع می شود.

این گروه از فقها با استناد به آیه سوم سوره مائده (که می فرماید: فَمَنْ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرِ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمِ اللَّهِ فَغَفَرَ لَهُمْ؛ آنها که در حال گرسنگی دستشان به غذای دیگری نرسد و متمایل به گناه نباشند، مانعی ندارد از گوشتهای ممنوع بخورند. خداوند آمرزنده و مهربان است.) و آن فراز از حدیث نبوی رفع که می فرماید: «رفع عن امتی... و ما اضطرروا الیه...» (از امت من، چیزی که به آن اضطرار پیدا نمودند، برداشته شده است.) ادعا نموده اند که مقتضای این ادله، رفع حرمت از سقط جنین، به هنگام اضطرار است و همان طور که فقها عموماً به ادله اضطرار برای خوردن مردار، عمل نموده اند، در مسأله سقط جنین نیز به همین ادله تمسک می شود و چون فقط امکان حفظ جان یک نفر وجود دارد، مادر اضطراراً با سقط جنین، جان خود را حفظ می کند و این عمل وی، با استناد به ادله فوق، حرمت و ممنوعیتی ندارد. (خرازی، المقام السابع) در نهایت، عده ای بر اساس بنای عقلاً که در چنین مواردی فرد را مخیر بین دو امر می کنند. مادر را مخیر در سقط جنین یا حفظ جان خود می دانند. (همان)

بنابراین سقط جنین برای حفظ جان مادر، قبل از دمیده شدن روح، اجماعاً و بعد از دمیده شدن روح بر اساس برخی مبانی مجاز خواهد بود و نظر معتقدین به جواز سقط جنین، در چنین مواردی از منظر فقه امامیه، منطقی، مشروع و مبتنی بر بنای عقلاست.

۸- علل اقتصادی سقط جنین

الف) مشکلات اقتصادی دولت‌ها: باید توجه داشت که امروزه تولد هر انسان از منظر اقتصادی، هزینه های زیادی را بر فرد و جامعه تحمیل می کند و دولت‌ها عموماً مایلند، مولید بویژه مولید بی سرپرست و نامشروع که به مراتب هزینه های زیادتری را به بودجه عمومی تحمیل می کنند، کنترل شوند.

ب) عدم استطاعت مالی: اولاً، در اکثر جوامع، بر خلاف قرون گذشته، تکالیف و مسؤولیتهای والدین، فوق العاده گسترده شده و فرزندان تا سنین بالا تحت حمایت والدین و به صورت کاملاً وابسته، به تحصیل یا کسب مهارت‌های گوناگون می پردازند. این مسأله باعث می شود که وجود فرزند، دست کم در کوتاه مدت، نه فقط موجب افزایش ثروت و قدرت مالی خانواده نشود، بلکه هزینه های آن را نیز افزایش دهد، به شکلی که بویژه در جوامع شهری، اداره بیش از دو فرزند، مشکلات فراوانی به همراه دارد. به همین جهت، خانواده ها، بیشتر به علت عدم استطاعت مالی، از داشتن فرزند زیاد گریزانند و بنابراین اقدام به سقط جنین‌های ناخواسته کرده و این عمل را به نفع خود و جنین می دانند.

ثانیا، تعداد زیادی از حاملگیها، دست کم در جوامع غربی، مربوط به زنان باردار بی شوهر کمتر از بیست سال است (غانم، ۲۰۰۱: ص ۱۳۰) که بعضاً از نظر اقتصادی نه فقط توانایی اداره جنین و فرزند را ندارند، بلکه تحت حمایت والدین خود می باشند؛ بنابراین عدم امکان سقط جنین، علاوه بر سایر مشکلات، منجر به تحمیل هزینه های سنگین دوره بارداری و مراقبت‌های پزشکی و هزینه های زایمان، حضانت و سرپرستی فرزند می شود.

از منظر فقه امامیه، قبل از دمیده شدن روح، فقط با وجود دلیلی جدی و قوی، می توان حکم به جواز سقط جنین داد؛ دلیلی که دارای آن چنان مصلحتی باشد که بر حرمت از بین بردن موجودی که قرار است پس از سیر تکاملی خود به مرحله ای برسد که دارای نفس انسانی گردد، فایق آید.

بنابراین عدم استطاعت مالی خانواده، عدم تمایل والدین به فرزنددار شدن و مشکلات زنان باردار بی شوهر، نمی تواند مجوز سقط جنین باشد؛ زیرا اولاً، اینگونه مسائل، در حدی نیست که بتوان مجوز برای سقط جنین صادر کرد؛ ثانیاً، صدور جواز سقط

جنین، غفلت یا تغافل از علت و پرداختن به معلول است؛ بعلاوه، در چنین مواردی باید با آموزش مناسب از باردار شدن ممانعت گردد، نه با استناد به فقر و مشکلات اقتصادی، قتل جنین مشروع قلمداد شود.

با این وجود، اگر مسایل فوق، قبل از ولوج روح، و در موارد بسیار استثنایی، حقیقتاً موجب عسر و حرج مادر شود، به نظر می رسد به عنوان ثانوی بتواند مجوز سقط جنین تلقی گردد؛ ولی بعد از نفخ روح، بنابر نظر اکثریت قریب به اتفاق فقهای امامیه، نه این مساله و نه هیچ مساله دیگری نمی تواند مجوز ارتکاب قتل نفس محترمه تلقی گردد.

۹- علل اجتماعی

الف) لزوم هماهنگی با واقعیات اجتماعی: از نظر موافقان، امروزه در جوامع مختلف، محدودیتهای گذشته جوامع سنتی وجود ندارد. زنان با حقوق خود آشنا شده و سرانه آموزش عمومی، به طور چشم گیری افزایش یافته و جوامع بشری، آزادی روابط جنسی را پذیرفته اند. روابط آزاد جنسی، منجر به حاملگی های ناخواسته زیادی، بویژه بین زنان مجرد کمتر از بیست سال شده است و در چنین شرایطی، این معضل اجتماعی، یعنی عدم امکان و عدم تسهیل سقط جنین اولاً، سلامت روحی و جسمی زنان حامله را به خطر می اندازد، ثانیاً، موجب افزایش آمار خودکشی بین چنین زنانی می شود، ثالثاً، در اغلب موارد، موجب تحمیل مسؤولیت حضانت و سرپرستی فرزندان به زنانی می شود که به علت سن کم، خود نیز تحت سرپرستی بوده و توانایی پذیرش مسؤولیت حضانت و سرپرستی فرزند را ندارند و رابعاً، موجب تحمیل جنین ناشی از تجاوز یا زنا با محارم به زنانی می شود که قربانی تجاوز هستند و عدم امکان سقط جنین، آلام ناشی از زنا را صدچندان خواهد کرد.

با توجه به واقعیات موجود، باید سیاستمداران، حاکمان، حقوق دانان، علمای اخلاق، جامعه پزشکی و سایر دانشمندان، با این معضل به درستی رو به رو شوند و ممنوعیت و عدم تجویز قانونی آن برای حفظ حیات و احترام به حیات جنین، نه فقط موجب وصول به این هدف نمی شود، بلکه عملاً علاوه بر سقط جنین، حیات مادران را نیز به خطر خواهد انداخت؛ زیرا در این صورت، آنان چاره ای جز سقط مخفیانه، غیر بهداشتی و خانگی و رجوع به افراد بی صلاحیت نخواهند داشت.

اصولاً از منظر فقه امامیه، مطالب فوق، اگرچه حقایقی تلخ است، نمی تواند اطلاقات و عمومات حرمت سقط جنین را تقیید یا تخصیص بزند. بنابراین نمی تواند استدلالی محکم برای تجویز سقط جنین و به تعبیری صحیح تر و صریح تر، مجوز قتل محسوب گردد؛ بلکه باید آسیبهای اجتماعی ریشه یابی و نابود گردند و با تعلیم و تربیت صحیح، مفساد اجتماعی از جامعه ریشه کن شود. پس واقع بینی و مقابله صحیح با معضلات اجتماعی، این است که زمینه بروز آنها از بین برود. با این وجود، قبل از ولوج روح، اگر به نظر قطعی یا اطمینان آور کارشناسان، مسائل فوق، در حدی باشد که موجبات عسر و حرج و ضرورت را فراهم نماید، می تواند مجوز سقط جنین باشد.

ب) ضرورت کنترل موالید: بر اساس نظر کارشناسان علوم اجتماعی و اقتصادی، ازدیاد یا انفجار جمعیت سبب بروز مشکلات زیادی شده است و از این رو، کنترل موالید از مسائل ضروری زندگی بشر است. این مسأله، به لحاظ محدودیت منابع طبیعی، اقتصادی و وسائل، تجهیزات و امکانات آموزشی، به دولتها به عنوان مدیران جوامع مختلف بشری، این حق را می دهد که برای جلوگیری از ازدیاد جمعیت، قوانین و مقررات مختلفی را وضع نمایند و علاوه بر تجویز قانونی، انجام آن را تسهیل و تشویق نمایند. (غانم، ۲۰۰۱: ص ۱۳۱) با نگاهی منصفانه به مطالب فوق، می توان چنین نتیجه گرفت: با اینکه ازدیاد یا انفجار جمعیت، سبب مشکلات زیادی می شود، این موضوع نمی تواند مجوز سقط جنین باشد.

از نظر فقهای امامیه، اگرچه قبل از دمیده شدن روح، جنین یک انسان کامل قلمداد نمی شود، در صورتی سقط آن جایز خواهد بود که ضرورتی محقق شده باشد و بر فرض تحقق ضرورت، کنترل موالید، به دلیل اینکه راههای جلوگیری از باروری متعدد و منحصر به سقط جنین نیست، نمی تواند مجوز سقط جنین باشد. اما بعد از دمیده شدن روح، به طریق اولی، مشکلات

جمعیتی در هر حد و کیفیتی که باشد، نمی تواند مجوز سقط باشد؛ زیرا مشکلات مزبور، تا حدی نیست که قتل عمد را مشروع نماید. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸: ص ۲۹۶ و همو، ۱۳۷۷: ص ۵۷)

نتیجه گیری:

با عنایت به مطالب فوق به خوبی موضع موافقان سقط جنین معلوم گردید که به جز گروههای افراطی طرفدار حقوق زن، که مطلقاً سقط جنین را با یا بدون دلیل موجه جایز می دانند، در سایر موارد، وجود اختلاف بین اندیشمندان، منطقی است و هر کدام برای اثبات مدعای خود دلایلی دارند. با الهام از آیات الهی و احادیث معصومین (علیهم السلام) می توان نتیجه گرفت که بین جنین با انسان، تفاوتی وجود دارد؛ ولی با استفاده از عمومات و اطلاقات ادله حرمت قتل نفس و احتیاط در دماء، و برخی روایات، در هر حال جنین در طول دوران بارداری، بالقوه یا بالفعل انسان است و کشتن وی، حرام است و در مواردی که وجود جنین حیات مادر را تهدید می کند یا در موارد زنا، ناهنجاریهای جنینی و مسایل حاد اجتماعی و اقتصادی، در صورت تحقق ضرورت یا وجود حرج شدید و تنها قبل از نفخ روح، سقط جنین، جایز و مشروع است. پس از بررسی اجمالی و کلی، می توان نتیجه گرفت که اکثر کشورها جنین را بویژه بعد از مدت معین از شروع دوران بارداری، انسان تلقی کرده و وی را دارای شخصیت و حق حیات دانسته، و برای وی، نوعی احترام و کرامت قائلند و فقط تحت شرایط خاصی سقط آن را مجاز می دانند.

منابع

- احمد ادریس، عوض. (۱۳۷۷). دیه، ترجمه علیرضا فیض، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چ دوم.
- اشتیاقی، رامین. (۱۳۸۰). جنین های ناقص الخلقه و سقط جنین، مجموعه مقالات دومین سمینار دیدگاههای اسلام در پزشکی، مشهد، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، چ اول.
- امیری، سمیه و آزاده جانقریان. (۱۳۸۴). چکیده ی مقالات همایش ملی حق حیات با تاکید بر حق حیات کودک، شهید بهشتی.
- انصاری، شیخ مرتضی. (۱۴۱۹ق). فرائد الاصول، قم، مجمع الفکر الاسلامی، چ اول، مجلد چهارم
- بهشتی، احمد. (۱۳۶۲). تربیت از دیدگاه اسلام، قم، دفتر نشر پیام، چ اول.
- یاد، ابراهیم. (۱۳۷۴). حقوق کیفری اختصاصی، جرائم علیه اشخاص، انتشارات دانشگاه تهران.
- تبریزی، میرزا جواد. (۱۴۱۶ق). صراط النجاه، قم، انتشارات سلمان فارسی، چ اول، ۱۴۱۶، مجلد اول
- جهانیان، منیره. (۱۳۸۰)، ولوج روح و سقط جنین، مجموعه مقالات دومین سمینار دیدگاههای اسلام در پزشکی، مشهد، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، چ اول.
- حرعاملی، محمد بن الحسن بن علی. (۱۴۱۴). وسائل الشیعه، قم، انتشارات موسسه آل البيت(ع)، چ دوم، مجلد ۱۵، ۱۶، ۱۹، ۲۸، ۲۹
- حسینی بهشتی، سید محمد حسین. (۱۳۷۹). بهداشت و تنظیم خانواده، تهران، انتشارات بقعه، چ اول، ۱۳۷۹
- حسینی سیستانی، سید علی. (۱۴۱۴ق) المسائل المنتخبه، قم، انتشارات مهر.
- خرازی، سید محسن. (۱۳۸۷). تحدید النسل و التعقیم (۲)، فقه اهل البیت، شماره ۱۵
- خوئی، سید ابوالقاسم. (۱۴۰۷ق). مبانی تکمله المنهاج، قم، انتشارات علمیه، مجلد دوم
- زراعت، عباس. (۱۳۸۳). قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، تهران، نشر ققنوس.
- سلیمانی، حسین. (۱۳۸۴). سقط جنین در یهودیت، مجله ی تحقیقات حقوقی، سال چهارم، شماره نهم.
- شرفی، منصور. (۱۳۶۷). اخلاق پزشکی، تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی تبریز، چ اول.
- شیخ طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن. (۱۴۱۷ق). الخلاف، قم، موسسه النشر الاسلامی، چ اول، ج ۵
- طبیبی جبلی، مرتضی. (۱۳۸۲). جواز سقط جنین از منظر فقهای امامیه، نامه ی مفید، شماره دوازدهم.
- عاملی الجبعی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی بن احمد. (۱۴۱۰ق)، الروضه البهیة، قم، انتشارات داوری، المجلد الثانی
- علی محمد زاده، خلیل. (۱۳۷۵). پزشکی در آئینه اجتهاد، قم، شرکت خدمات فنی مبرور، چ اول، ۱۳۷۵
- غانم، عمر بن محمد بن ابراهیم، احکام الجنین فی الفقه الاسلامی، بیروت، دار ابن حزم، چ اول، ۲۰۰۱
- کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چ سوم، ۱۳۶۷، ج ۷
- گلپایگانی، محمد رضا، ارشاد السائل، بیروت، دار الصفوه، چ اول، ۱۴۱۳
- لاریجانی، باقر. (۱۳۸۱). اخلاق در پژوهشهای پزشکی، چاپ اول، تهران، نشر برای فردا.
- مجاهدی، محمد جواد. (۱۳۸۰). سقط جنین، مجموعه مقالات دومین سمینار دیدگاههای اسلام در پزشکی، مشهد، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، چ اول، ۱۳۸۰
- محسنی، محمد آصف، الفقه و مسائل طبیه، قم، بوستان کتاب قم، چ اول، ۱۳۸۲، الجزء الاول
- محقق حلی. (۱۴۰۹)، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، تهران، انتشارات استقلال، چ دوم، ج ۴
- محقق داماد، سید مصطفی. (۱۳۸۷). سقط جنین مجموعه مقالات دومین سمینار دیدگاههای اسلام در پزشکی، مشهد،

The 4th International Congress
of Religious Culture and Thought

- محمدی، ابوالحسن. (۱۳۷۵). مبانی استنباط حقوق اسلامی یا اصول فقه، تهران، دانشگاه تهران، چ نهم، ۱۳۷۵
- مشکینی، میرزا علی. (۱۴۱۳ق). اصطلاحات الاصول و معظم ابحاثها، قم، دفتر نشر الهادی، چ پنجم، ۱۴۱۳
- مهرگان، امیرحسین. (۱۳۸۷). سقط جنین و حقوق بشر در آئینه ی حقوق بین الملل، مذکور در سایت